



The Flow of Deviant Mahdist Sects Based on Surah At-Tawbah (The Repentance)

Mostafa Rezaee ¹

Dr. Mohammad Hossein Alijanzadeh Roshan ²

Dr. Rahim Kargar ³

Abstract

Analysis and application of the necessary tools to confront any trend is dependent on understanding the trends that govern it. The lack of flow of knowledge in dealing with deviant Mahdist sects will lead to a kind of taste bias in confrontation strategies. The Holy Quran has always been concerned with comprehensively drawing the path and paths as symbols of truth and deviation, and one of the surahs that explains the issue of deviation and the layers in it is the Holy Surah of Repentance. Accordingly, in this work, the flow of deviant Mahdist sects will be discussed with a descriptive-analytical method, relying on the Holy Surah At-Tawbah. Finally, the author has come to the conclusion that the Holy Surah At-Tawbah, while focusing on organizational deviation and avoiding rationalism in drawing the dimensions of deviation, in describing its longitudinal stages, first addresses hearts prone to deviation, then the stages of the heart, and then soft, non-operational deviation and hard deviation that is involved in the scene.

Keywords: Flow, Deviant Sects, Mahdism, Holy Surah At-Tawbah, Contextualization of Deviation, Caseology of Deviation.

1. Graduate of the 4th level of Qom Seminary, Qom, Iran(Corresponding Author)
(eshragh.reza1394@gmail.com)

2. Graduate of the 4th level of Qom Seminary and PhD student in Muslim Social Sciences at Al-Mustafa University, Qom, Iran(ghased1366@yahoo.com)

3. Faculty member of Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (r.karegar@isca.ac.ir)

جریان شناسی فرقه های انحرافی مهدویت با تکیه بر سوره مبارکه

توبه*

مصطفی رضایی^۱

محمد حسین علیجان زاده روشن^۲

رحیم کارگر^۳

چکیده

تحلیل و به کارگیری ابزارهای لازم جهت مقابله با هر روندی تابع شناخت جریان های حاکم بر آن است. فقدان جریان شناسی در برخورد با فرقه های انحرافی مهدویت، سبب نوعی سلیقه گرایی در راهبردهای مواجهه خواهد شد. قرآن کریم همواره به ترسیم جامع صراط و سبل ها به عنوان نمادهای حقیقت و انحراف اهتمام داشته و از جمله سوری که مسئله انحراف و لایه های موجود در آن را تشریح نموده، سوره مبارکه توبه است. بر این اساس در این اثر با روش توصیفی - تحلیلی به جریان شناسی فرقه های انحرافی مهدویت با تکیه بر سوره مبارکه توبه پرداخته خواهد شد و در نهایت نگارنده بدین نتیجه رسیده که سوره مبارکه توبه، در عین تمرکز به انحراف سازمانی و پرهیز از خردنگری در ترسیم ابعاد انحراف، در تشریح مراتب طولی آن، در ابتدا به قلوب مستعد انحراف و سپس به مراتب قلبی و پس از آن به انحراف نرم غیرعملیاتی و انحراف سخت و درگیر در صحنه پرداخته است.

واژگان کلیدی

جریان شناسی، فرقه های انحرافی، مهدویت، سوره توبه، بسترشناسی انحراف، مصداق شناسی انحراف.

مقدمه

هر جریان دارای نوعی تفکر منسجم و شخصیتی نظام مند است که توانسته افرادی را با خود همراه سازد. اما جریان شناسی تنها منحصر به برشمردن طیف های هدفمند سیال موجود

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷

۱. دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول) (eshragh.reza1394@gmail.com).

۲. دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین جامعه المصطفی، قم، ایران. (ghased1366@yahoo.com).

۳. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. (r.karegar@isca.ac.ir).

نیست بلکه برای تبیین جامع شاکله انحراف، باید ابعاد گوناگون آن را مورد بررسی قرار داد هرچند جریانی بالقوه و خاموش باشد. بر همین اساس در این اثر، جریانات حاکم بر انحراف در مسیری طولی به مصداق‌شناسی جریانات داخلی آن پرداخته خواهد شد. در این بین، آثاری همسو نگاشته شده که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت: ۱. جریان‌شناسی نفاق و بررسی انگیزه‌های آن در انقلاب نبوی از منظر قرآن کریم اثر کاظم قاضی‌زاده و محمدعلی طبسی که در مجله مطالعات انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است؛ ۲. جریان‌شناسی مهدویت در فرقه‌های شیعی اثر حیدر مظفری ورسی که توسط نشر دلیل ما در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است؛ ۳. شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت اثر حسین حجامی که توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است؛ ۴. جریان‌شناسی انحراف در حکومت اسلامی اثر سیداسماعیل سجادی که توسط نشر شاهچراغ در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است؛ ۵. جریان‌شناسی فکری ایران معاصر اثر عبدالحسین خسروپناه که توسط مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است. اما وجه تمایز این اثر نسبت به موارد برشمرده شده در این است که: ۱. در این اثر به جریان‌شناسی با رویکرد قرآنی و با تمرکز بر سوره مبارکه توبه پرداخته شده، ۲. در این اثر جریان‌شناسی انحراف در مهدویت مورد بحث قرار گرفته است. بر این اساس در این تحقیق در راستای دستیابی به جریان‌شناسی از شخصیت انحراف در مهدویت براساس آیات شریفه، بدین سؤال پاسخ داده خواهد شد که از نظر قرآن کریم و با تکیه بر سوره مبارکه توبه، چه جریانات انحرافی در مهدویت قابل ترسیم است؟

مفهوم‌شناسی و ادبیات نظری تحقیق

متغیرهای این تحقیق شامل دو کلیدواژه اصلی است. بر همین اساس به تبیین معنایی واژگان جریان‌شناسی و انحراف پرداخته خواهد شد: ۱. جریان امری فراتر از فرد است که با رویکردی جمعی به نوعی انسجام و تشکل‌گرایی روی آورده و از اندیشه‌ای معین پیروی می‌کند. بر این اساس «جریان عبارت است از تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار است» (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۹). بنابراین جریان‌شناسی عبارت خواهد بود از شناخت این منظومه منسجم، با این تفاوت که جریان ناظر به یک طیف حرکتی است اما جریان‌شناسی به برآیند حاکم بر کل حرکت‌های موجود در جامعه می‌پردازد. مضاف بر این که در تحلیل جریانات نباید به حرکت‌های فعال موجود اکتفا کرد بلکه

لازم است نحله‌های مستعد نیز برشمرده شود تا روند حاکم بر جریان‌شناسی، روندی جامع نسبت به همه افراد موجود در جامعه باشد. جریان‌شناسی باید به نحوی جامع تمامی اصناف انحراف را در جامعه شامل شود، لذا اگر در پژوهشی جریان‌شناسی نحله‌ای انحرافی صورت بگیرد اما نوعی از حرکت انحرافی خارج از آن باشد، این جریان‌شناسی فاقد جامعیت و مانعیت است؛ ۲. انحراف، خارج شدن از بستر واقعی یک پدیده است که به تدریج سبب شکل‌گیری کج‌اندیشی، کج‌خواهی و کج‌روی پیروان آن خواهد شد. انحراف دینی، فاصله گرفتن از صراط مستقیم و یگانه مسیر حق و حقیقتی است که فرد پس از خروج از آن، به سبل و بیراهه‌های باطل وارد خواهد شد؛ «انحراف، تمایل از حد وسط و گرایش به یکی از طرفین است» (صلیبا، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

لذا حقیقت انحراف در دین و از آن جمله مهدویت، خروج از حقیقت حاکم بر آن آموزه است اما تعریف به اموری چون خروج از نظام ارزشی، تعریف به لوازم خواهد بود؛ «در انحراف فرد یا گروهی از نظام ارزش‌های جامعه تجاوز می‌کند و خود نظامی می‌آفریند که از نظر اطرافیان وی در درجه پست‌تری از نظام حاکم قرار می‌گیرد» (شیخ‌آوندی، ۱۳۷۳: ۴۰).

انحراف تنها به رفتار تعلق ندارد بلکه ساحات معرفتی و محبتی افراد را هم شامل خواهد شد. ممکن است فردی در اعتقاد انحراف داشته باشد اما انحراف او در عملکردش به دلایل مختلف ظهور و بروز پیدا نکند. انحراف پدیده‌ای نسبی نیست که براساس زمان، مکان، فرهنگ و ارزش‌های یک جامعه متغیر باشد بلکه معیار بازشناسی و جداسازی در آن، خروج از استقامت (صراط) خواهد بود. لذا پدیده انحراف بالذات امری متکثر و دارای سبک‌ها، نحله‌ها و مصادیق گوناگونی است.

بسترشناسی انحراف در سوره توبه

سوره مبارکه توبه در مقایسه با دیگر سوره قرآن کریم، در تبیین مسئله انحراف به ابعاد گسترده‌تری پرداخته است. به نوعی که می‌توان گفت رویکرد این سوره ناظر به مسئله نفاق و لزوم برائت از این پدیده است؛ به همین سبب این سوره با تفکیک گروه‌ها و افراد مختلف از یکدیگر، به جریان‌شناسی درون جامعه اسلامی می‌پردازد و رفتارشناسی نفاق، راهبردشناسی آن و جریانات حاکم بر آن را برای مخاطب تشریح می‌سازد.

مخفی نیست که اسامی سوره قرآن کریم، یکی از ابزارهای رهیابی به دال مرکزی هر سوره خواهد بود و بررسی نام‌های متعدد این سوره شریفه، حاکی از روح مشترک واحدی است که

همگی بر موضوع انحراف تأکید دارند. لفظ توبه، به معنای بازگشت از یک انحراف و خطا، برائت به معنای اعراض از امری انحرافی، فاضحه (طبرسی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۱، ۳) به معنای افشا نمودن چهره انحراف موجود در جامعه، مَقْشِقْشَه (همان: ج ۱۱، ۴) به معنای حرکت از انحراف به صحت و... است.

تمرکز این سوره شریفه بر تبیین ابعاد گوناگون مسئله نفاق به عنوان یکی از شاخص‌ترین و خطرناک‌ترین مصادیق انحراف در جامعه دینی است. لذا به تناسب اقتضائات حاکم بر جامعه می‌توان از اصول حاکم بر این سوره در مصداق‌هایی غیر از نفاق نیز بهره برد که از آن جمله انحراف در حوزه مهدویت است. مطابق با سنت قرآن کریم، آیات شریفه همواره ضمن بررسی یک موضوع، اصول کلی حاکم بر آن واقعه را بیان می‌کنند تا مخاطبین هر عصر بتوانند با استفاده از قواعد ارائه شده در آیات، به روش برخورد با پدیده موجود در دوره خود دست پیدا کنند؛ «خداوند قرآن را برای مقطع معینی از زمان یا برای گروهی خاص فرو نفرستاده؛ از این جهت، قرآن در تمام زمان‌ها تازه است و نزد همه ملل جهان تا روز رستاخیز با طراوت خواهد بود» (بحرانی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۲۸). بنابراین با توجه به سیاق آیات و روح حاکم بر سوره شریفه توبه، مراتب طولی انحراف مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

انحراف فردی و سازمانی

نگاه قرآن کریم در موضوعات مختلف قاعده‌ساز و راهبری است، لذا امور خرد و جزئی همانند اعداد، اسامی، خصائص روزمره و جزئی افراد و اقوام گذشته در ادبیات بیانی قرآن کریم چندان جایگاهی ندارد. رویکرد آیات شریفه در خصوص ذکر قصص انبیاء الهی و امت‌های پیشین نیز برخلاف برخی دیگر از کتب تحریف شده آسمانی، به نحوی هدفمند است و زیادت‌هایی که گاهی در قلم اهل تاریخ به چشم می‌خورد در قرآن کریم دیده نمی‌شود؛ چراکه سازه‌های حاکم بر آیات شریفه، در هیچ بعدی، از نظام حکمتی خداوند متعال خارج نیست و همگی یک هدف را دنبال می‌کنند. وحدت معنایی حاکم بر قرآن کریم، به سبب وجود همین نظام است که آیات شریفه در مواردی از آن بدین بیان تعبیر نموده‌اند؛ «كِتَابٌ أُخْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» (هود: ۱)؛ این قرآن کتابی است دارای آیاتی محکم که از جانب خدایی حکیم و آگاه به تفصیل و بسیار روشن بیان گردیده است.

اقتضای حکمت پرهیز از تطویل و اطناب و تبیین بلیغ مفاهیم به مخاطب است. در چنین حالتی ذکر تمامی نحله‌های انحراف و مصادیق موجود در عصر نزول، منافی یگانگی معنایی

حاکم بر آیات شریفه و غرض واحدی است که خداوند متعال اراده نموده است؛ «آیات کریمه قرآن با همه اختلافی که در مضامین و با همه تشتتی که در مقاصد آنهاست، به یک معنای بسیط (بدون جزء و بعض) برمی‌گردد و همه غرض واحدی را دنبال می‌کنند، غرضی را که در آن نه کثرت است و نه تشتت» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۲۰۰).

بر همین اساس، لایه‌های انحرافی ترسیم شده در آیات شریفه ناظر به عملکردهای خرد و رفتارشناسی جزئی افراد نیست بلکه گروه‌ها و روندهای حاکم را مورد بررسی قرار می‌دهد. از مجرای این سبک بیانی، جریان‌های حاکم بر انحراف قابل استخراج خواهد بود. مطابق با این رویکرد، شکل‌گیری انحراف تنها در قالب برنامه و جریان سازماندهی بوده است که به همان دوران ختم نخواهد شد و بررسی مجموعی آیات نازل شده در این خصوص، مخاطب را به نوعی راهبرد در شناخت انحراف و روش‌های مواجهه با آن رهنمون خواهد کرد.

بررسی تعبیر جمعی به کارگرفته شده در رفتارشناسی انحراف در سوره مختلف خصوصاً سوره مبارکه توبه، حاکی از این حقیقت است که آیات شریفه در صدد بیان خط روندی به مخاطبین خود هستند تا بتوانند در هر دوره زمانی و متناسب با اقتضائات هر عصر، جریان‌ات انحرافی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند همانند تعبیری که در یکی از فرازهای سوره مبارکه توبه با ضمائر جمع به کار رفته و وضعیت سستی جریان انحراف در همراهی با رسول خداوند را توأم با تذکر به قانون استبدال خداوند تشریح می‌نماید: «لَا تَنْفِرُوا يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (توبه: ۳۹)؛ اگر بیرون نشوید خدا شما را به عذابی دردناک معذب خواهد کرد و قومی دیگر به جای شما برمی‌گمارد و شما به خدا زیانی نمی‌رسانید. مضاف بر این که تعبیری چون «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» (توبه: ۶۷)؛ مردان و زنان منافق، از یکدیگرند، حاکی از این حقیقت است که آنها تشکیلات، شبکه و یک سیستم فعال و هدفمند هستند؛ «منافقی که نسبت به منافع مسلمانان طمع دارد یا بر جان و مال و اهل خود می‌ترسد، شرارت و زیان آن کمتر از منافقی است که نفاقش همراه با مکر پنهانی بر ضد اسلام و مسلمین است و با وسائل گوناگون برای ضرر رساندن به آنان، تباه نمودن دین و از بین بردن دولت‌شان چاره‌اندیشی می‌کند و بدتر از او منافقی است که سازمان نفاق را رهبری و مدیریت می‌کند» (حبنکه المیدانی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۷۳). سطوح انحراف از منظر این سوره شریفه شامل چهار مرتبه انحراف خاموش (مستعدین)، قلبی (غیر زبانی)، نرم و سخت خواهد بود که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. این محورها براساس آیات شریفه ۴۹، ۵۸ و ۷۴ سوره مبارکه توبه تنظیم شده است که رهاورد پیمایش محتوایی این سوره

شریفه در جریان شناسی انحراف در این چهار محور قرار می‌گیرد.

مستعدین ورود به انحراف (انحراف خاموش)

انسان دارای دو بعد وجودی الهی و مادی است. با گرایش هرچه بیشتر انسان به هرکدام از این دو جنبه رفتارهایی متناسب با آن بُعد وجودی از او صادر خواهد شد. راز توصیفات به ظاهر دوگانه آیات شریفه در خصوص انسان نیز به همین دو جنبه شخصیتی وجود انسان بازمی‌گردد همانطور که راز استفسار ملائکه از خداوند قبل از خلقت انسان نیز به همین علت بازگشت می‌کند. آنها قبل از رؤیت اَسْمَاءِ الهی، با در نظر گرفتن جنبه مادی وجود انسان، او را وجودی فسادگر و مایل به انحراف می‌دانستند، اما پس از تعلیم اسماء و مشاهده بعد ملکوتی و نورانیت وجودی انسان، به حکمت در خلقت خداوند متعال معترف شدند و به تسبیح و تنزیه خداوند روی آوردند؛ «قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (بقره: ۳۲)؛ فرشتگان گفتند: پروردگارا! تو پاک و منزهی، ما چیزی جز آنچه تو به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم، همانا تو دانای حکیمی.

این دو بُعد وجودی متفاوت در وجود انسان، او را همواره مستعد گرایش به شرور و مادیت قرار داده به طوری که عمده انسان‌ها هیچ‌گاه نمی‌توانند خود را برای همیشه از انحراف مصون ببینند. در این میان، افرادی به سبب علل مختلف همانند فقر معرفتی، گرایش به تمایلات نفسانی، دنیاخواهی و کثرت طلبی و... بیش از دیگران در معرض این کجروی قرار خواهند داشت.

بر این اساس، هرچند همه انسان‌ها در معرض انحراف قرار دارند اما برخی به سبب عوامل یاد شده، استعداد گرایش‌های انحرافی در آنها بیش از دیگران وجود دارد. گروهی که به سبب انحراف خاموش وجودی‌شان، همواره مستعد خروج از صراط هستند. آیات شریفه در سوره توبه، در خصوص افراد دارای زمینه انحراف، به ثعلبه بن حاطب انصاری اشاره داشته‌اند که به سبب وجود زمینه‌های گرایش‌های انحرافی همانند حب به مال در برابر رسول خداوند و حکومت اسلامی قرار گرفت؛ «وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ» (توبه: ۷۵)؛ و برخی از آنان با خدا پیمان بسته بودند که اگر خداوند از فضل خویش به ما عطا کند، حتماً صدقه خواهیم داد و از نیکوکاران خواهیم بود. بنابر شأن نزول آیه شریفه، ثعلبه پیوسته از رسول خداوند درخواست کرده بود که برای افزون شدن ثروتش دعا کند، اما ایشان امتناع می‌کرد. در نهایت پس از رسیدن به خواسته خود، از رسول اکرم ﷺ روی گردان



شد تا جایی که مطابق با برخی از اقوال «او تبدیل به اصحاب مسجد ضرار گشت» (مقریزی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۴۸۲).

به دنبال وجود زمینه‌های یاد شده، امروزه افشاری در جامعه در معرض خطر به فرقه‌های انحرافی مهدویت قرار دارند و تا زمانی که جامعه در حوزه ادراکی و شناختی به سطح واکسینه شدن فکری و اعتقادی نرسد، قشر معتنابهی از آن در معرض خطر انحراف در حوزه مهدویت قرار خواهد داشت؛ چراکه از نگاه قرآن کریم، ورود به صراط سبب قوام بخشی بوده و توان ایستادگی لازم به فرد را خواهد داد و مادامی که فرد در مسیرهای موازی و سبل دوران دارد، نمی‌تواند از مصونیت صراط و قیّم بودن آن بهره‌مند گردد؛ «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» (انعام: ۱۶۱)؛ بگو: همانا پروردگارم مرا به راهی راست هدایت کرده، دینی استوار که همان آئین حق‌گرای ابراهیمی است. صراط بنابر آیه شریفه یاد شده برخوردار از دو خصیصه «قیّم» و «حنیف» بودن است. قیّم^۱ در اصطلاح قرآن کریم، به معنای ما يقوم به الشّیء است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۶۹۱) که خود ذاتاً دارای قوام بوده و دیگران را نیز بر راه حق استوار می‌داد هم‌چنان‌که مستقیم که در موارد متعددی در آیات شریفه به عنوان وصفی برای صراط به کار برده شده، از همین ریشه اخذ شده است و حنیف به معنای اعراض از گمراهی و میل به استقامت و دوری از انحراف است (احمدبن فارس، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ۱۱). یعنی کسی که به راه چپ و راست گرایش ندارد و در متن راه حرکت می‌کند.

این سنخ از انحراف طبیعتاً در زمان خود دارای مصداق نخواهد بود؛ چراکه خاموش است و تبلور بیرونی ندارد. اما تحلیل برخی از فرق انحرافی موجود در مهدویت نشان می‌دهد که آنها قبل از ورود به ساحات بیرونی انحراف، از جمله دعوت‌کنندگان به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز محسوب می‌شدند اما به خاطر مبتلا بودن به عدم معرفت صحیح و جامع نسبت به آن حضرت و دیگر مؤلفه‌هایی چون دوران غیبت، شأن ارتباط با امام در این عصر و... در ادوار بعد رفته - رفته زمینه‌های انحراف‌شان به فعلیت رسید.

۱. معنای قیّم که در آیه شریفه ذکر شده با قیّم با تشدید یاء یکی است. در آیه شریفه قیّماً و حنیفاً وصف معنوی صراط به شمار می‌آیند؛ چراکه صراط مستقیم، دین و ملت حضرت ابراهیم علیه السلام همگی در یک حوزه معنایی قرار دارند و صراط ذکر شده در آیه، همان دین قیّم بوده و آئین حنیف حضرت ابراهیم علیه السلام نیز همان دین قیّم و در نهایت صراط مذکور خواهد بود که نشان می‌دهد صراط مستقیم، دینی دارای قوام و روح حاکم بر آئین حق‌گرای حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است.

انحراف قلبی غیر رفتاری

دسته دوم در منظومه حرکتی انحراف در سطح جامعه، منحرفین قلبی غیر رفتاری هستند. این افراد در انحراف بالقوه به مرحله فعلیت وارد شده‌اند اما سطح انحراف در حوزه قلبی ایشان بوده و هیچ نمود رفتاری پیدا نکرده است. این دسته از افراد با آرمان‌های جامعه همراهی نخواهند کرد و معمولاً سعی بر کناره‌گیری و سکون اجتماعی دارند. تعبیر آیات شریفه در سوره مبارکه توبه در خصوص این افراد مبنی بر اذن کناره‌گیری از جهاد و دستور رسول است؛ «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ اُذْنُ لِي وَلَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا» (توبه: ۴۹)؛ و برخی از آن مردم منافق با تو گویند که به ما در جهاد اجازه معافی ده و ما را در آتش فتنه میفکن.

مطابق با شأن نزول آیه شریفه، همزمان با جنگ تبوک و دستور رسول خداوند بر بسیج عمومی، جد بن قیس که از طائفه بنی سلمه بود، از جایش بلند شد و از رسول خداوند خواست که به خاطر ترس از به فتنه افتادن توسط زنان رومی او را از این جنگ معاف نماید (طبرسی، ۱۴۲۰ق: ج ۵، ۵۲). وجود مرض قلبی در منافقین که در سوره مبارکه بقره به صراحت از آن تعبیر شده (بقره: ۱۰) دعوت‌کننده آنها به عدم همراهی‌شان با جبهه حق و حکومت دینی است. این قشر از منحرفین، تلاش دارند دامن خود را رسالت‌ها و مسئولیت‌های آرمانی جامعه دینی کنار بزنند. به همین سبب در ادامه آیه شریفه، خداوند به آنها این حقیقت را یادآوری می‌کند که اذن سکون و عدم همراهی شما، دلیل بر فتنه‌ای است که در آن قرار گرفتید در حالی که به دنبال دور کردن خود از فتنه خارجی (به زعم آنها) هستید؛ «اینها به خیال خودشان از فتنه احتمالی احتراز می‌جویند در حالی که سخت در اشتباه‌اند و غافل‌اند از این که کفر و نفاق که دارند و این که به پیامبر می‌گویند ما را دچار فتنه مکن، حکایت می‌کند که همین اکنون گرفتار فتنه‌اند و غافل‌اند از این که شیطان آنان را در فتنه افکنده و فریب داده و دچار هلاکت کفر و ضلالت و نفاق ساخته است» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ج ۹، ۳۰۵).

از جمله اثرات انحراف قلبی، همزادپنداری با جبهه مخالف و تمنی درونی برای ضعف هرچه بیشتر جبهه حق است. این دسته از منحرفین هرچند در عرصه عملیاتی و حتی روانی ورود نکنند، اما در درون خود همواره این تمایل را دارند که جامعه مؤمنین روز به روز گرفتار سستی و ناپایداری بیشتری شود «إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلُ وَ يَتَوَلَّوْا وَ هُمْ قَرِحُونَ» (توبه: ۵۰)؛ اگر تو را حادثه‌ای خوش نصیب شود سخت بر آنها ناگوار آید و اگر تو را زحمتی و رنجی پیش آید، گویند: ما در کار خود پیش‌بینی کردیم و آنها باز می‌گردند در حالی که شادند. ریشه این جهت‌گیری قلبی، به اصطکاک محبتی جبهه انحراف



با جامعه مؤمنین بازمی‌گردد. این جبهه فاقد هر نوع سنخیت قلبی و تمایل محبتی با اهداف و غایات انقلاب رسول خداوند است و در پائین‌ترین سطح مقابله، مواضع قلبی و عداوت باطنی خود را حفظ خواهند کرد.

امروزه برخی در جامعه دینی با تکیه بر روایاتی، تکلیف خود را بر قعود و کناره‌گیری از امور دانسته‌اند و در پرتو نگرشی خطا معتقدند که هر نوع قیام و مبارزه علیه نظام استبدادی و ظلم حاکم بر دنیای امروز به طور مطلق خطاست و رهبری جریان قیام علیه فساد، طاغوت خواهد بود «كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ» (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۸، ۲۹۵)؛ هر پرچمی قبل از قیام قائم برافراشته شود، پرچمدار آن طاغوت است. در حالی که در احادیث دیگر با الفاظ و معانی گوناگون بر این حقیقت تأکید شده که مراد از رایات طاغوت، پرچم‌ها ضلالت است، نه پرچمی که هدف‌گذاری آن تمهید شرایط لازم برای ظهور و نیروسازی برای آرمان مهدویت باشد؛ «من رفع رایة ضلالة فصاحبها طاغوت» (همان: ج ۸، ۲۹۷)؛ کسی که پرچم گمراهی را برافرازد، طاغوت است.^۱

دعوت به انتظار منفعلانه، سکوت و سکون محض در برابر پیشامدهای سیاسی جامعه که از مؤلفه‌های حرکتی انجمنی‌ها محسوب می‌شود، ناظر به همین رویکرد قلبی آنان بوده است که قعود و تعطیل کردن فعالیت را وظیفه جامعه دینی در عصر غیبت می‌دانستند^۲ تا جایی که پس از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، رهبر انجمن به صراحت، امام راحل را مسئول خون‌های ریخته شده معرفی نمود (روزنامه صبح آزادگان، ۱۳۶۰/۱۱/۲۷، قسمت سوم؛ مصاحبه با مهندس طیب) در همین راستا، امام تفکر رها کردن عالم تا شایع شدن ظلم یا حتی دامن زدن به ظلم را نگاهی انحرافی برشمردند:

این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته، منحرف‌هایی هم بودند، اشخاص ساده‌لوح هم بودند، منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصد به این دامن می‌زدند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۱۷).

این مرتبه از انحراف هرچند در موارد بسیاری سعی داشت براساس موضع خود، تاکتیک

۱. امام در تحلیل روند فکری این گروه به باور انحرافی فکری ركون به ظلم آنها اشاره نمودند: «دیروز «حجتیه‌ای»‌ها مبارزه را حرام کرده بودند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۲۸۱).

۲. در این روند حرکتی، جریان انحراف در ابتدا حرکت خود را با رویکرد قلبی آغاز خواهد نمود و ممکن است مدت‌ها به طول انجامد و دارای نمود عملی نرم همانند سخنرانی و اعلام مواضع تند خود نباشد، اما رفته‌رفته انحراف قلبی به حوزه نرم تسری پیدا خواهد کرد. سخن بر سر این است که نفس چنین اعتقادی که در ابتدا بر پایه باوری قلبی است، نگاهی انحرافی است هرچند ممکن است همانند انجمن حجتیه به تقابل نرم هم منتهی شود.

سکوت و عدم همراهی را پیشه کند اما در نهایت عمدتاً در سطحی از روند خود به انحراف نوع سوم که همان انحراف نرم است مضاف بر این، دو انحراف بیان شده، چندان ظهور و بروزی در عرصه ظاهری جامعه ندارند و به همین سبب کمتر مورد توجه، دقت و تحلیل قرار می‌گیرند در حالی که این دو مدل انحراف مورد ابتلا و شایع در سطح جامعه بوده و سطح فراگیری آنها از دو سبک بعد به مراتب بالاتر است.

انحراف با رویکرد نرم

گاهی عرصه انحراف در سطح جامعه، به مرحله ظهور و بروز خواهد رسید که پایین‌ترین سطح آن، تخریب‌های لسانی و ایجاد فضای روانی مغایر با آرمان‌های جامعه است. در این مرحله جریان انحراف، تلاش دارد با استفاده از نقاط خلأ پیش آمده، فضایی جدید در عرض گفتمان حاکم بر جامعه ایجاد نماید. در این رویکرد، مادامی که ساختار تصمیم‌گیری حکومت دینی براساس امیال آنها حرکت کند، مورد طعن و تخریب قرار نخواهد گرفت اما با کوچک‌ترین تصمیمی که اهداف آنها را به مخاطره بیندازد، جبهه انحراف روند تخریب ذهنی، خرده‌گیری و عیب‌گذاری خود را شروع خواهد کرد. در این روند حرکتی، لبه تیز هجمه‌های جریان انحراف به سمت اهداف راهبردی، کلان و تأثیرگذار جامعه خواهد بود همان‌طور که توده انحرافی در جامعه در مسئله تقسیم غنائم، رسول خداوند را به عدم مساوات در برخورداری و فقدان عدالت محکوم نمودند (توبه: ۵۸)؛ و بعضی از آن مردم منافق در (تقسیم) صدقات بر تو اعتراض و خرده‌گیری کنند، اگر به آنها از آن عطا شود رضایت داشته و اگر از آن چیزی به آنها داده نشود سخت خشمگین شوند.

در انحراف با رویکرد نرم، از اهرم فضا سازی استفاده خواهد شد تا خطوط فکری جامعه از نقاط ثقل و تکیه‌گاهی خود فاصله بگیرد که مهم‌ترین نقطه محوری جامعه دینی، ولایت است؛ به همین جهت آیات شریفه در ذکر مصداق انحراف نرم، به مقابله این جریان با رسول خداوند پرداخته است (توبه: ۶۱). مقابله‌ای که به دنبال تنزل دادن شأن رسول خداوند در جامعه دینی است. این روش تقابلی، در عصر کنونی در روند تخریبی فرقه‌های انحرافی مهدویت نسبت به بنیادهای اصیل مهدویت جامعه وجود دارد تا با سقوط جایگاه ولایت در جامعه، نسخه‌های بدلی و انحرافی مورد قبول اذهان تحریف شده قرار گیرند همان‌طور که منصور هاشمی خراسانی در خصوص شرائط ظهور بیان داشته است:

برای تحقق ظهور، یکی از وظایف اصلی مسلمانان، مبارزه با نظام‌های سیاسی حاکم

بر جامعه از جمله ولایت فقیه است (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۷: ۳۲).

در ساحتی دیگر از انحراف نرم، اهل نفاق نسبت اُذُن بودن به رسول خداوند را مطرح می‌کنند تا در پروژه تخریب شخصیت ولی جامعه، او را فردی ساده لوح، زودباور، دارای بینشی محدود و سطحی‌اندیش معرفی کنند.^۱ تنزل دادن سطح باورپذیری جامعه نسبت به رهبری جامعه و ایجاد فاصله عاطفی و فکری بین او و معتقدان به مهدویت، یکی از خطوط راهبردی جریان انحرافی امروز است؛ چراکه مشروعیت و مقبولیت مرجعیت و ولایت فقیه در جامعه، در عرض کارآمدی جریان انحراف قرار خواهد داشت و مانع از همراهی بدنه جامعه با آنها خواهد شد. بر همین اساس جریان ایمانی با تخریب مستقیم این نقطه، به دنبال ایجاد روزنه نفوذ در میان جامعه منتظر است تا دعوت خود را مبارک و منصوب از جانب خداوند معرفی ساخته و زعامت ولی فقیه را تحریفی قلمداد کند؛ «در ایران (خراسان) سیدخامنه‌ای به اصلاح علنی می‌پردازد با این توجیه که او ولی فقیه است... تنها همین دعوت مبارک ایمانی است که دعوت‌کننده به تنصیب الهی است» (بصری، ۱۳۹۴: ۶۵).

انحراف با رویکرد سخت

جریان انحراف، در روند تقابلی خود با جبهه مؤمنین، در بالاترین سطح حرکتی خود، وارد تقابل علنی و سخت خواهد شد و درصدد ضربه زدن آشکار به منافع جامعه دینی برمی‌آید. آیات شریفه در تبیین اقدامات سخت این جریان، به شاخصه‌هایی اشاره داشته که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره داشت: ایجاد خلل در مسیر جهاد و دفاع از جامعه (احزاب: ۱۷)، اطاعت‌پذیری عملیاتی نسبت به دشمن (محمد: ۲۶)، ارتداد عملی و زیرپا گذاشتن اهداف جامعه (نساء: ۱۳۷)، دامن زدن به فساد و پروژه آلوده‌سازی (بقره: ۱۱) و... آیات سوره مبارکه توبه، این فرآیند سخت را محدودیت‌پذیر ندانسته و درصدد تبیین این حقیقت بوده که جبهه انحراف، برای دستیابی به اهداف خود حتی تا حذف فیزیکی و ترور جامعه ایمانی نیز پیش خواهد رفت.

برنامه‌ریزی و اقدام عملیاتی جهت رماندن شتر رسول خداوند در همین راستا صورت پذیرفت «وَهُمْوَا بِمَا لَمْ يَنَالُوا» (توبه: ۷۴)؛ تصمیم به کاری (کشتن پیامبر ﷺ) گرفتند که به آن

۱. رک: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَعْدَنُ» (توبه: ۶۱)؛ برخی از منافقان، پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: او سراپا گوش است. مطابق با شأن نزول آیه شریفه، جبهه نفاق در مدینه، رسول خداوند را به زودباوری متهم می‌کردند (سیوطی، ۱۴۰۲ق: ۳، ج ۲، ۲۵۴).

دست نیافتند. جریان انحراف، در مسیر بازگشت از جنگ تبوک، در یکی از گردنه‌های میانه راه، شتر رسول خداوند را رم دادند تا آن حضرت را از بالای کوه به دره پرت کنند (ابن ابی حاتم، ۴۱۶ق: ج ۶، ۱۸۴۵).

مانع‌گذاری و مسدودسازی مسیر آرمانی جامعه با هر ابزار ممکن، در فرآیند انحراف با رویکرد سخت، یکی از راهبردهای ثابت به شمار می‌رود. تعبیر برخی از آیات شریفه در این خصوص، مقابله همه‌جانبه با نفس وجود رسول خداوند است؛ چراکه رسول، روح و محور جبهه مقابل انحراف به شمار می‌رود ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا﴾ (نساء: ۶۱)؛ و چون به آنان گفته شود به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر ﷺ بیایید، گروه منافق را می‌بینی که مردم را از گرویدن به تو منع می‌کنند. صدّ از رسول که در آیه فوق همراه با تأکید ذکر شده، به معنای عدم پذیرش دعوت او توسط جبهه انحراف نیست، بلکه به معنای ایجاد سدّ و سنگ‌اندازی پیوسته و در سطح کلان با اهداف، رویکرد و راهبردهای رسول خداوند در هستی است. لطافت تعبیری آیه فوق در خصوص متعلق «یصدون» حاکی از این است که هدف اصلی جبهه انحراف، مانع‌گذاری در برابر خود رسول است؛ «عنک»، نه راه یا پیروان او.

پروژه جاگذاری خود در جایگاه رسول خداوند به عنوان خلیفه‌ای از جانب حق تعالی، از جمله ابزارهای فرق انحرافی مهدویت در عصر کنونی به شمار می‌رود. در همین راستا، منصور هاشمی خراسانی با معرفی خود به عنوان خلیفه خداوند (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۸: ۱۵۷) خود را مأذون در قتال بر زمین قلمداد می‌نماید؛ «قتال با ظالم، اگر چه کافر نباشد، مأذون و مورد یاری خداوند است. من اگر در زمین تمکن یابم، آنان را به سزای عملشان خواهم رساند» (هاشمی خراسانی، ۱۴۰۰: ۶۲ و ۲۶۴). مشروع شمردن ترور^۱ و اباحه نفوس و دامن زدن به نابهنجاری‌های اجتماعی توسط فرق انحرافی مهدویت، موجی از هرج و مرج و اختلال نظام اجتماعی را به دنبال خواهد داشت و به تدریج به آحاد جامعه اجازه تجویزات ذوقی و حقوق و حدود الهی را خواهد داد. این رویکرد سخت انحرافی، در راستای تجویزات ذوقی و عرفی‌گرایی در جامعه مؤمنین صورت می‌پذیرد؛ چراکه رویکردشناسی انحراف نشان می‌دهد آنها در صورت تغییر قواعد شریعت و ایجاد فضای دو قطبی بین پیروان و منکرین خود، قادر به پیشبرد اهدافشان خواهند بود همانطور که احمد اسماعیل بصری با همین رویکرد، دشمنان

۱. «ترور با اذن خلیفه خدا در زمین جایز است» (پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، ۱۳۹۸: کد ۳۸۳).

خود را ناصبی دانسته و مال آنها را غیرمحترم می‌شمارد؛ «کسی که با یکی از مهدیین یا با شیعیان مهدیین مخالفت داشته باشد، ناصبی بوده و نجس است» (بصری، ۱۳۹۶: ۳۵). با دشمنان ائمه یا مهدیین دشمنی کن و همچنین با پیروان آنها. مال آنها محترم نیست و برای شما جائز است که همه یا بخشی از آن را برای خودت برگیری» (بصری، ۱۳۹۵: ۴، سؤال ۳۴۶). در همین راستا بهائیت نیز در طول فرآیند تاریخی خود تلاش نموده تا توانمندی‌های سخت و تشکیلاتی خود را در حوزه‌های مختلف بسط دهد و با ورود گسترده به ساحات مختلف نظام جمهوری اسلامی، به صورت سیستماتیک فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی خود را برای ناکارآمد جلوه دادن جمهوری اسلامی به عنوان رقیب تقابلی خود در مهدویت گسترش دهد. آنها به دنبال ایجاد جامعه جهانی مبتنی بر تعالیم بهائیت هستند تا به بهائیت محوری به عنوان یک اصل و غایت دامن بزنند؛ «این جامعه باید مرکب از یک هیئت تقنینیه جهانی باشد که اعضای آن به عنوان امنای کافه نوع انسان، کلیه منابع ثروت عالم را تحت اختیار خود گرفته... [که در پی سلطه بر جهانیان] منابع اقتصادی عالم تحت انتظام درخواهد آمد... یک نظام جهانی که بر سراسر عالم استیلا یابد و قدرت فائقه خود را بر منابع وسیع و غیرقابل تصور ارض اعمال کند» (افندی، ۱۹۹۸م: ۷۹).

ایجاد نگرش منفی در جامعه دینی و نهادینه‌سازی باور ناکارآمدی ولایت الهیه که در مسیری طولی به نیابت عام منتهی می‌شود، غایتی است که جریان انحراف در فرآیند حرکت سخت خود آن را پیوسته دنبال خواهد کرد. استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های این جبهه در راستای معرفی مدل‌های بدلی و ناکارآمد مهدوی به جامعه و نحیف‌سازی و در نهایت پوک‌سازی آرمان ظهور در جامعه دینی است تا مهدویت از جایگاه فرصت‌سازی به منزلگاه تهدیدسازی تنزل پیدا کند.

نتیجه‌گیری

آرمان ظهور، به عنوان آرمان فطری بشر، همواره در معرض انحرافات قرار داشته که عدم توجه به ساحت‌های موجود در این سازه‌های انحراف مهدوی، نگاهی یکنواخت و بسیط را نسبت به آن ایجاد نموده است. عدم شناخت لایه‌های انحراف در مهدویت، به دنبال خود، موضع‌گیری و محاسبات غلط را در فرآیند پیشگیری و مقابله به دنبال خواهد داشت. دقت در آیات شریفه سوره توبه حاکی از این حقیقت است که از منظری می‌توان در چارچوب جریان‌شناسی انحراف، به چهار لایه طولی انحراف استعدادی، قلبی، نرم و سخت دست یافت.

انحراف نوع اول گستره وجودی بیشتری در جامعه دینی خواهد داشت و با حرکت به سمت لایه چهارم، از حجم درگیری بدنه جامعه با آن کاسته خواهد شد اما نوع انحراف و تهدید آن، فعلیت بیشتری پیدا خواهد کرد؛ چراکه براساس این نوع از جریان شناسی انحراف، حرکت جامعه در این مسیر، از قوه به فعلیت خواهد بود و با وجود کاسته شدن از تعداد منحرفین در آخرین لایه، تقابل، دوگانگی و اقدامات آنها علیه آرمان مهدویت بیشتر می گردد که نشان می دهد با وجود تفاوت مقتضیات هر دوره زمانی اما هدف، ساحت و راهبرد این جریان در طول تاریخ یکی بوده و جریان شناسی آیات شریفه سوره توبه، این نقطه کلان و مشترک را هدف گرفته است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی حاتم، محمد بن ادريس (۱۴۱۶ق)، *تفسير القرآن العظيم*، بيروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۱۹ق)، *معجم مقاییس اللغة*، بيروت: دار احیاء التراث.
۳. افندی، شوقی (۱۹۹۸)، *حال و آینده جهان از دیدگاه دیانت بهائی*، بی جا: منشورات دارالنشر البهائیه.
۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۷ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: دارالتفسیر.
۵. بصری، احمد (۱۳۹۴)، *نصیحتی برای طلاب حوزه های علمیه*، نجف: انتشارات انصار احمد بصری.
۶. بصری، احمد (۱۳۹۵)، *پاسخ های روشنگر بر بستر امواج*، نجف: انتشارات انصار احمد بصری.
۷. بصری، احمد (۱۳۹۶)، *شرائع الاسلام*، نجف: انتشارات انصار احمد بصری.
۸. پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی (۱۳۹۷)، بخش مقاله ها و نکته ها، کد ۸۳.
۹. پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی (۱۳۹۸)، بخش مقاله ها و نکته ها، کد ۳۸۳.
۱۰. حبنکه المیدانی، عبدالرحمن (۱۴۱۴ق)، *ظاهرة النفاق و خباثت المنافقین فی التاريخ*، دمشق: دارالقلم.
۱۱. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸)، *جریان شناسی فکری ایران معاصر*، قم: مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۴ق)، *المفردات*، بيروت: دارالقلم.

۱۳. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۲ق)، *الدرالمشور*، بیروت: دار احیاء التراث.
۱۴. شیخاوندی، داور (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: نشر مرندیز.
۱۵. صلیبا، جمیل (۱۳۹۳)، *فرهنگ فلسفی*، تهران: حکمت.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۸)، *المیزان*، قم: جامعه مدرسین.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۰ق)، *مجمع‌البیان*، بیروت: ذوی القربی.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، *کافی*، قم: جامعه مدرسین.
۱۹. مقریزی، احمد بن علی (۱۳۸۷)، *امتاع الاسماع*، قم: تبیان.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۲)، *صحیفه*، تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله علیه.
۲۱. هاشمی خراسانی، منصور (۱۳۹۸)، *منهاج‌الرسول*، افغانستان: دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی.
۲۲. هاشمی خراسانی، منصور (۱۴۰۰)، *بازگشت به اسلام*، افغانستان: دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی.